

ای موقن بالله اصل لقا ایمان به آیات الله است ... زیرا قربیت جسمانیه را حکمی نه بلکه قربیت عین ایمان و ایقان است و خلوص نیت و اطمینان عین قربیت.

موضوع: قرب و بعد

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع
۲. کلمات مبارکه مکنونه
۳. دعای دسته جمعی " هو حسبی و حسب کل شی و کفی بالله حسبیا "
۴. نصوص مبارکه

قسمت اداری

۵. تعریف قریب و بعید
۶. قرب و بعد
۷. چگونگی حصول قربیت
۸. قرب و بعد معنوی

قسمت اجتماعی

۹. برنامه نونهالان و نوجوانان
۱۰. شور و پیشنهاد
۱۱. الفت و پذیرایی

۱- مناجات شروع

هو الله

ای پروردگار مرا بیدار کن هشیار نما از غیر خود بیزار کن و به محبت جمالت گرفتار نما نفخه روح القدس بخش و ندای ملکوت ابهی به گوش رسان قوت روحانی عطا کن و سراج رحمانی در زجاج قلب برافروز از هر بندی آزاد کن و از هر تعلقی نجات ده تا جز رضای تو نطلبم و به غیر از روی تو نجویم و دون راه تو نپیویم نفوس غافله را هشیار کنم و ارواح خفته را بیدار نمایم تشنگان را آب حیات بخشم و مریضان را شفای الهی دهم هر چند حقیرم ذلیم فقیرم اما پشت و پناهم توئی و معین و ظهیرهم توئی تا ییدی عنایت فرما که کل حیران گردند . خدایا توئی مقتدر و توانا و بخشنده و دهنده و بینا ع

مجموعه مناجات حضرت عبدالبها چاپ آلمان ص ۶۰

۲- کلمات مکنونه

ای پسر حب

از تو تا رفر امتناع قرب و سدره ارتفاع عشق قدمی فاصله . قدم اول بردار و قدم دیگر بر عالم قدم گذار و در سرادق خلد وارد شو پس بشنو آنچه از قلم عز نزول یافت .

ای برادران طریق

چرا از ذکر نگار غافل گشته اید و از قرب حضرت یار دور مانده اید صرف جمال در سرادق بیمثال بر عرش جلال مستوی و شما به هوای خود به جدال مشغول گشته اید . روایح قدس می وزد و نسائم جود در هبوب و کل به زکام مبتلا شده اید و از جمیع محروم مانده اید . زهی حسرت بر شما و علی الدین هم یمشون علی اعقابکم و علی اثر اقدامکم هم یمرون .

۴- نصوص مبارکه (الف)

مقصود از آفرینش عرفان حق و لقای آن بوده و خواهد بود چنانچه در جمیع کتب الهیه و صحف متقنه ربانیه من غیر حجاب این مطلب احلی و مقصد اعلی مذکور و واضح است . و هر نفسی که به آن صبح هدایت و فجر احدیت فائز شد به مقام قرب و وصل که اصل جنت و اعلی الجنان است فائز گردید و به مقام قاب قوسین که ورای سدره منتهی است وارد شد و الا در امکانه بعد که اصل نار و حقیقت نفی است ساکن بوده و خواهد بود اگرچه در ظاهر بر اکراس رفیعه و اعراش منیعه جالس باشد بلی آن سما حقیقت قادر و مقتدر است که جمیع ناس را از شمال بعد و هوی به یمین قرب و لقا رساند لو شا الله لیکون الناس امه واحده . و لکن مقصود صعود انفس طیبه و جواهر مجرده است که به فطرت اصلیه ، خود به شاطی بحر اعظم وارد شوند تا طالبان جمال ذوالجلال از عاکفان امکانه ضلال و اضلال از یکدیگر مفصول و ممتاز شوند .

آیات الهی ج ۱ ص ۵۲

۶- قرب و بعد

...

قد نَزَّلْنَا فِي لَوْحٍ مِنَ الْاَلْوَا حِ كَمْ مِنْ قَرِيبٍ لَا نَقَرُّ لَهُ الْقُرْبَ وَكَمْ مِنْ بَعِيدٍ وَنَفْسِ الْحَبِيبِ اِنَّهُ هُوَ الْقَرِيبُ وَفِي لَوْحٍ اٰخَرَ كَمْ مِنْ قَرِيبٍ هُوَ الْغَرِيبُ وَكَمْ مِنْ بَعِيدٍ هُوَ الْقَرِيبُ ... بسا از نفوس در عین قرب از وصال محرومند و بسا از نفوس که در بعد ظاهر بکوثر لقا فائز ... کینونه الاحدیه که مقدس از حدودات و منزله از کلمات و اشارات و اسما و صفات و ظهورات و تجلیات بوده در هیكل بشریه ظاهر لذا اکثر بریه نظر بعادات بشریه که از هیكل امریه مشاهده می نمایند محتجب مانده اند غافل از اینکه اصل قدرت اینست تفکر لتعرف و قل لك الحمد یا اله العالمین . انتهی

مائده ج ۴ ص ۲۱۴

۴- نصوص مبارکه (ب)

ای برادر من قدم روح بردار تا بادیه های بعیده بعد و هجر را به آنی طی فرمایی و در رضوان قرب و وصل در آئی و در نفسی با نفس الهیه فائز شوی و به قدم جسد هرگز مراحل طی نشود .

مستطاب ایقان ص ۳۴

۸- قرب و بعد معنوی

باری قرب بحق در این مقام توجه به او بوده و بعد و غفلت از او مثلاً هر نفسیکه الیوم از حقیق اطهر ابهی نوشید باعلی ذروه قرب و وصال مرتقی و من دون آن در اسفل درک بعد و انفصال بوده اگر چه در کل احیان بذکر رحمن ناطق و به او امرش عامل باشد چنانچه الیوم ملل مختلفه که در ارضند چون از صهبای احدیه محرومند کل در تیه بعد سائر و قرب و بعد در ظهور مظاهر الهیه معلوم و مشهود هر نفسی که به حَرَم ایقان توجه نمود او از اهل قرب محسوب و هر نفسی که اعراض نمود بعید بوده و خواهد بود قرب حق بُعد ندارد اگر ناس بعید نمانند اصل شجره قرب در ارض این بیان که از سماء رحمن نازل شده ثابت و فرعها احاطاً لِعالمین وقتیکه شمس اسم قریب از مشرق لقا اشراق فرمود جمیع آفاق را احاطه نموده و قرب معنوی از قرب ظاهر اقدم و اقرب است . چنانچه مشاهده می شود بسا از نفوس که با حق بوده اند و در عشی و اشراق در ظاهر مشرف و لکن حق تصدیق قرب در حق آن نفوس نفرموده چه که از قرب معنوی محروم بوده اند حق عالم و ساتر و اگر نفسی در اقصی بلاد ساکن و بحق ناظر باشد در حق او کلمه قرب نازل و لکن یا حبذا و یا طوبی از برای نفسی که بهر دو مرزوق شود.

مائده جلد ۱ ص ۵۹

۷- چگونگی حصول قربیت

هو الله

اعظم موهبت در عالم انسانی قربیت الهیه است هر عزتی، هر شرفی، هر فضیلتی، هر موهبتی، که از برای انسان میسر می گردد به قربیت الهی میسر می گردد. جمیع انبیا و رسل قربیت الهی را می خواستند چه شبها که گریه و زاری کردند چه روزها که تضرع و ابتهال نمودند و قربیت الهیه را طلبیدند ولی قربیت الهیه حصولش آسان نیست در یومی که حضرت مسیح ظاهر شد جمیع بشر طالب قربیت الهیه بودند و به این مقام هیچکس فائز نشد مگر حواریون. آن نفوس مبارکه به قربیت الهیه فائز شدند زیرا قربیت الهیه مشروط به محبت الله است قربیت الهیه مشروط به حصول معرفت الله است به انقطاع از ما سوی الله است قربیت الهیه به جانفشانی است قربیت الهیه به فدای نفس و جان و مال به جمیع شئون است قربیت الهیه به تعمید روح و نار و ماء است زیرا در انجیل می فرماید که هر نفسی باید تعمید به آب و روح یابد و در جای دیگر می فرماید باید به آتش و روح تعمید یافت و حال باید دانست که مقصود از آب، آب حیات است و مقصود از روح، روح القدس است و مقصود از آتش نار محبت الله. مقصود اینست که انسان باید به ماء حیات و روح القدس و نار محبت الله تعمید یابد تا به حصول این مقامات ثلاثه قربیت الهیه حاصل گردد. قربیت الهی به آسانی حاصل نگردد. قربیت الهیه به مثل بیست هزار بهائیان به جانفشانی حاصل شود زیرا بهائیان اموال خود را فدا کردند راحت خود را فدا کردند جان خود را فدا کردند و در نهایت سرور به قربانگاه شهادت کبری شتافتند جسدشان را پاره پاره کردند خانه هایشان را خراب نمودند اموالشان به یغما رفت اطفالشان اسیر شدند و جمیع این بلیات را در نهایت سرور و شادمانی قبول کردند به چنین جانفشانی قربیت الهی حاصل شود و این معلوم است که قربیت الهیه زمانی و مکانی نیست. قربیت الهیه به صفای قلب است. قربیت الهیه به بشارت روح است. ملاحظه نمایید که آئینه چون صاف و از زنگ آرایش آزاد است به آفتاب نزدیک است ولو صد هزار میلیون مسافت در میان است به مجرد صفا و لطافت، آفتاب در آن مرآت بتابد همینطور قلوب چون صاف و لطیف شود به خدا نزدیک گردد و شمس حقیقت در او بتابد و نار محبت الله در او شعله زند و ابواب فتوحات معنوی بر او گشوده گردد انسان به رموز و اسرار الهی پی برد اکتشافات روحانیه نماید و عالم ملکوت مشهود شود جمیع انبیا به این وسائط قربیت الهیه را حاصل نمودند پس ماها نیز باید متابعت آن نفوس مقدسه بکنیم از هوی و

هوس خویش بگذریم از آلودگی عالم بشری خلاص شویم تا قلوب مانند آئینه گردد و انوار هدایت کبری از او بتاید حضرت به‌الله در کلمات مکنونه میفرماید که خداوند به واسطه انبیا و اولیا فرموده قلب تو منزلگاه من است آن را پاک و منزّه کن تا در او داخل شوم و روح تو منظر من است آن را پاک و مقدس کن تا من در آن جا گیرم پس فهمیدیم که قربیت الهیه به توجه الی الله است قربیت الهیه به دخول در ملکوت الله است قربیت الهیه به خدمت عالم انسانی است قربیت الهیه به محبت بشر است قربیت الهیه به اتفاق و اتحاد جمیع امم و ادیان است قربیت الهیه به مهربانی به جمیع انسان است قربیت الهیه به تحری حقیقت است قربیت الهیه به تحصیل علوم و فضائل است قربیت الهیه به خدمت صلح عمومی است قربیت الهیه به تنزیه و تقدیس است قربیت الهیه به انفاق جان و مال و عزت و منصب است...

خطابات ج ۲ صص ۹۱ تا ۹۴

۵- تعریف قریب و بعید

...و قلب که محل ظهور ربانی و مقر تجلی رحمانی است بسا می شود که از مُجلی غافل است در حین غفلت بعید است و اسم بعید بر او صادق و در حین تذکر به حق نزدیک است و اسم قریب بر او جاری

مائده ج ۱ ص ۵۷